

چالش فقر در افغانستان: رشد اقتصادی بدون کاهش فقر

رشد چشمگیر اقتصادی قبل از دوره انتقال در افغانستان روی کاهش فقر کدام تاثیری نداشته است. بین سال های ۰۸/۲۰۰۷ و ۱۲/۲۰۱۱ عاید سرانه تولید ناخالص داخلی در افغانستان بطور اوسط در حدود ۶,۹ فیصد رشد داشته که در سال ۰۸/۲۰۰۷ در حدود ۳۶ فیصد مردم زیر خط فقر قرار داشته اند، به این معنی که بیشتر از ۱ از هر ۳ نفر توانایی خرید نیازمندی های اساسی غذایی و غیر غذایی خویش را نداشته است. البته با گذشت ۴ سال (۰۸/۲۰۰۷ - ۱۲/۲۰۱۱) هنوز هم ۳۶ فیصد مردم زیر خط فقر قرار دارند. تنها رشد اقتصادی برای کاهش فقر کافی نیست، بلکه رشد اقتصادی باید در تمام سکتور ها و در سطح نفوس، همه شمول، فراگیر و مساویانه باشد.

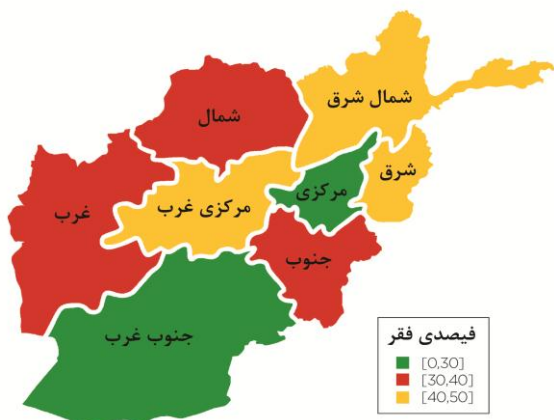
شیوه های رشد اقتصادی بالای افزایش نابرابری تاثیر گذار بوده است. بطور اوسط رشد مصرف سرانه بین سال های ۰۸/۲۰۰۷ و ۱۲/۲۰۱۱ تنها ۱,۲ فیصد افزایش داشته است. از اینکه نحوه رشد در مصرف سرانه بصورت مساویانه صورت نگرفته، بنأ سبب افزایش ضریب نامساوات (*Gini-Coefficient*) گردیده است. در حدود ۲۰ فیصد طبقه فقیر جامعه در این مدت یک کاهش ۲ فیصدی را در مصارف شان تجربه کرده اند و این در حالی است که مصارف ۲۰ فیصد طبقه ثروتمند، افزایش ۹ فیصدی داشته است. افزایش نابرابری توسط ضریب جینی نشان داده است که در سال ۰۸/۲۰۰۷ در حدود ۲۹,۷ فیصد بوده و این رقم در سال ۱۲/۲۰۱۱ به ۳۱,۶ فیصد افزایش نموده است.

چشم انداز وضعیت فقر در افغانستان: روستایی، زراعتی، بیکاری، و آسیب پذیری شدید

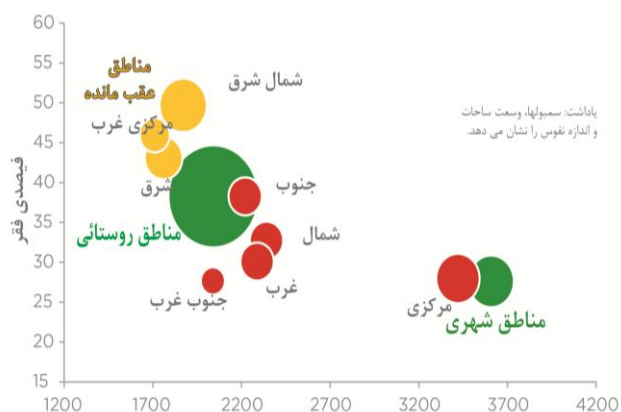
اگرچه تشخیص این مسئله که آیا فردیکه در سال ۰۸/۲۰۰۷ فقیر بوده اند، همچنان در سال ۱۲/۲۰۱۱ فقیر مانده اند و یا خیر، کار خیلی مشکل است، اما، آمار موجود نشان می دهد که وضعیت فقرا تغییر نکرده است.

فقر در افغانستان مستقیماً متناسب است با ساحه زیست مردم: از هر ۵ نفر فقیر ۴ آنها در روستا ها زندگی می کنند. در ساحات مناطق کوهستانی شرق، شمال شرق و مناطق غرب مرکزی تقریباً نصف نفوس آنها فقیر که عاید بسیار پائین از مصارف سرانه را داشته اند و همچنان خیلی آسیب پذیر میباشند.

شکل ۲: فیصدی فقر به اساس مناطق

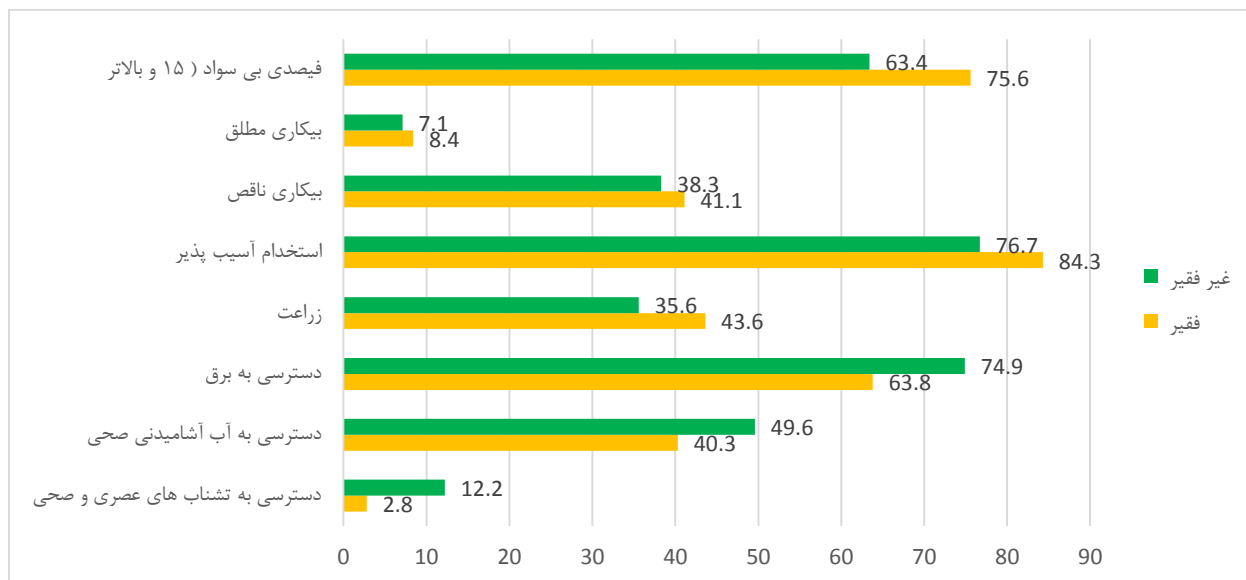


شکل ۱: فیصدی فقر و مصرف سرانه (اوسط) به افغانی



پائین بودن سطح تعلیمی، معیشت زندگی، و دسترسی به خدمات ابتدایی واضحاً تاثیر در افزایش فقر در کشور دارد. مردم فقیر اکثراً بیسواد بوده (۷۵,۶ فیصد) و فرصت های تعلیم برای اطفال شان کمتر محیا می باشد. بر علاوه، مردم فقیر بیشتر بیکار^۱ هستند. ۸ فیصد بیکاری مطلق و ۴۱ فیصد بیکاری ناقص و زمانیکه کار هم داشته باشند بیشتر کار شان آسیب پذیر و غیر رسمی (۸۴,۳ فیصد) میباشد. بیش تر از ۴۳,۶ فیصد مردم فقیر در سکتور زراعت اشتغال دارند و کمتر به خدمات اساسی، مانند برق در حدود (۶۳,۸٪)، آب آشامیدنی در حدود ۴۰,۳ فیصد و تنها ۲,۸ فیصد آنها به تشناب های عصری دسترسی دارند.

شکل ۳: مقایسه شاخص ها بین طبقه فقیر و غیر فقیر



^۱ در افغانستان مانند سایر کشورهای در حال توسعه نیروی کار برای خانواده های فقیر بسیار اساسی تلقی میگردد. برای افراد که در خانواده های فقیرتر زندگی میکنند، دخیل بودن آنها در فعالیت های عاید زا جهت رفع نیازمندی هایشان ضروری میباشد. فقر با موجودیت وسیع کار های غیر مساوی در سکتور غیر رسمی، سطح بیکاری را یک پدیده خاص ساخته است. تناسب سطح پایین بیکاری یک تقابل غیر مساوی با استخدام ناقص دارد.

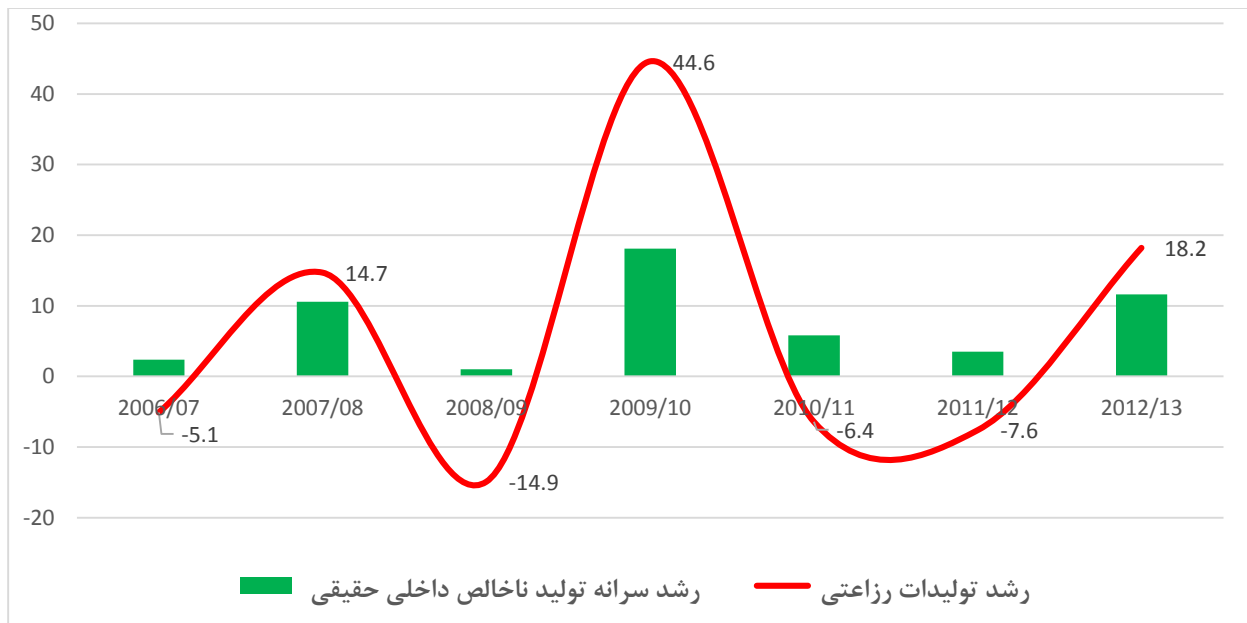
فقر در کشور با خطرات طبیعی و بشری بستگی دارد. قشر فقیر در افغانستان تنها از بوسیله ی خطرات متاثر میگردند، بلکه توانایی تأمل و مقاومت را در مقابل حوادث ناگوار ندارند. در جریان سال ۲۰۱۱-۱۲ تقریباً ۸۴ فیصد خانواده های افغان، حد اقل یک ناسامانی اقتصادی را تجربه نموده اند و در حدود ۵۳ فیصد خانواده ها ۳ و یا زیاده تر از آنرا متحمل گردیده اند. این ناهنجاری ها، بدلیل کوهستانی بودن، مواصلات ضعیف و شدیداً متکی به زراعت للمی بوده است. فقیر ترین مناطق در حوزه های شرق، شمال شرق، و غرب مرکزی مشخصاً آسیب پذیرتر به صدمات و خطرات طبیعی میباشند. متأسفانه، خانواده های فقیر در مقابل حوادث ناگوار خطرات از میکانیزم های غیر معیاری جهت دفع آنها استفاده می نمایند که این روند ممکن در کوتاه مدت چاره ساز باشد، اما در درازمدت مفیدیت نداشته و برای فقرا، زمینه های انتقال را به رفاه اجتماعی مشکلتر میسازد.

سرمایه گذاری شرکای بین المللی در افغانستان: محرک موثر رشد اقتصادی، اما این همکاری های مالی بصورت مساویانه تقسیم نگردیده است.

اگرچه همکاری های مالی جامعه جهانی در بخش های نظامی و ملکی روی رشد اقتصادی سهم ارزنده ای داشته اند، اما نتایج حاصله رشد اقتصادی، متأسفانه تنها سکتور استخدام را مستفید کرده است، بلکه حوزه های مختلف کشور نیز بصورت مساویانه از این همکاری مستفید نگردیده اند.

کمک های مالی جامعه جهانی روی رشد اقتصادی و ایجاد کار در سکتور خدمات سهم ارزنده ی داشته است. با آنکه رشد سکتور خدمات در ایجاد شغل با کیفیت در بخش های خدمات عامه، خدمات صحتی و تعلیمی، سهم بارزی داشته است. اما در حدود ۸۰ فیصد کار یا استخدام بصورت غیر رسمی و یا روز مزد بوده است. بخاطر پایین بودن سطح تعلیمی، طبقه فقیر نتوانسته اند در کارهای فراهم شده از طریق سکتور خدمات رقابت نموده و از آن مستفید گردند. بناً آنها از اشتغال در سکتور آسیب پذیر زراعت به سکتور آسیب پذیر خدمات تغییر شغل داده اند.

به عبارت دیگر، **کمک های مالی جامعه جهانی بالای افزایش یا بهبود مولدیت سکتور زراعت موثر نبوده،** تا جایکه قشر وسیع طبقه فقیر از آنجا امرار معیشت می نمایند. طوریکه سکتور زراعت تقدمیت خود را از تولید ناخالص داخلی از دست داده است، این سکتور بصورت دوامدار در رشد اقتصادی افغانستان سهم نوسانی داشته که نوسانات این سکتور ناشی از وابستگی آن به محصولات للمی و شدیداً آسیب پذیر از شرایط اقلیمی می باشد.

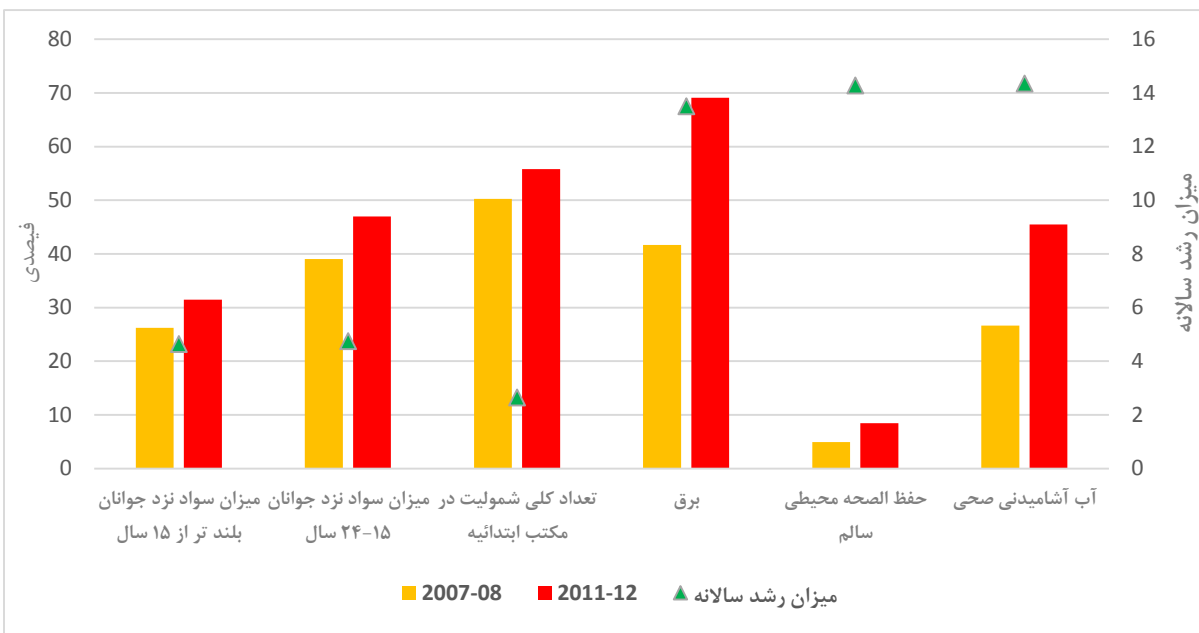


بصورت عموم از کمک های جامعه جهانی ساحات نا امن کشور بیشتر مستفید گردیده اند. اما حوزه های غرب مرکزی، شمال شرق و شرق از آن همکاریها کمتر مستفید گردیده اند. در بقیه ساحات کشور سکتور خدمات زمینه های اشتغال مطمئن تر را فراهم نموده، اما حوزه های عقب مانده وابسته به اشتغال آسیب پذیر سکتور زراعت باقی مانده اند. آسیب پذیری از ناحیه خطرات طبیعی و شدت وقوع آن سبب گسترش نابرابری میان ساحات فقیر نشین و بقیه ساحات کشور گردیده است.

فرا تر از مصرف: پیشرفت بگونه ای باعث حذف فاصله دسترسی به تعلیم و خدمات ابتدایی گردیده است.

با آنکه فقر بر اساس محاسبه میزان مصرف در افغانستان تغییر ننموده، اما بصورت عموم پیامد ها و شاخص های انکشاف بشری کشور بهبود یافته است. کمک های جامعه جهانی سرمایه گذاری سکتور عامه را از سال ۲۰۰۷-۸ الی ۲۰۱۱-۱۲ تقویت نموده که نرخ سواد آموزی از سن ۱۵ سال به بالا ۵ فیصد، در قشر جوانان ۸ فیصد و همچنان میزان شمولیت در مکاتب ابتدائیه سالانه در حدود ۶ فیصد، رشد نموده است. دسترسی به انرژی، آب آشامیدنی صحتی و حفظ الصحه بهبودی حاصل نموده که هر کدام بصورت سالانه تقریباً ۱۴ فیصد رشد داشته اند. با آنکه این دستاورد ها قابل ملاحظه و چشمگیر بوده، اما در عین حال نقطه قابل ملاحظه آنست که با اینهمه رشد سریع اقتصادی، هنوز هم در حدود ۲۰ تا ۲۵ سال دیگر نیاز است تا سطح سواد در کشور ما با سطح سواد در کشورهای کم درآمد و یا متأثر شده از منازعات، برسیم. افزون بر آن، در حدود ۱۱ الی ۱۵ سال برای کشور ما نیاز است تا به سطح کشورهای مشابه در راستای سطح سواد جوانان برسیم، و همچنان از ۱۲ الی ۲۳ سال نیاز است تا سطح شمولیت اطفال به مکاتب ابتدائیه به سطح شمولیت در ممالک مشابه ما برسد.

هنوز هم راه طولانی در پیش است تا نابرابری و فاصله میان طبقه فقیر و ثروتمند را کاهش دهیم. بین سالهای ۲۰۰۷-۰۸ الی ۲۰۱۱-۱۲ در عرصه دسترسی به خدمات تعلیمی بین طبقه فقیر و غیر فقیر کشور وسیع گردیده است. میزان شمولیت اطفال خانواده های فقیر بصورت قابل ملاحظه نسبت به خانواده های غیر فقیر پایین تر بوده است. باآنکه پیشرفت قابل ملاحظه شمولیت اطفال در ساحات شهری و حوزه های عقب نمانده دیده میشود، اما در ساحات دهات و حوزه های عقب مانده در پیامد های تعلیمی هیچ تغییر رونما نگردیده که ناشی از اثرات منفی حوادث ناگوار و منازعات در عرصه شمولیت دختران می باشد.



خلا در عرصه دسترسی به خدمات اساسی میان طبقه فقیر و غیر فقیر به استثنای دسترسی به انرژی که آن هم ناشی از توسعه استفاده از انرژی آفتابی (سولر) می باشد، همچنان وسیع گردیده است. عرضه وسیع خدمات به دهات کشور سبب کاهش خلا دسترسی میان روستا ها و شهرها گردیده، اما تفاوت میان حوزه های فقیر شرق، شمال شرق و غرب مرکزی با بقیه ساحات کشور افزایش یافته که احتمالاً انعکاس دهنده تخصیص ناموزون کمک های جامعه جهانی می باشد.



درس های آموخته شده

از آنجاییکه برای کاهش فقر رشد اقتصادی ضروری می باشد، فقرا باید بصورت حقیقی از آن رشد اقتصادی مستفید گردند. فقر زدایی مرتبط است به توانایی فقرا تا بتوانند زندگی بهتر را حاصل نمایند. جمع کردن، کنترل کردن، حفظ دارایی ها: دسترسی به فرصت ها و خدمات با کیفیت.

۱- **تقویت سکتور زراعت** جهت تداوم رشد اقتصادی با در نظر داشت محدود شدن کمک های جامعه جهانی و تسریع بخشیدن روند فقرزدایی ضروری می باشد. طوریکه ۷۵,۶ فیصد طبقه فقیر که سنین شان از ۱۵ به بالا اند بی سواد اند. آنها نمی توانند از مزایای فرصت های شغلی بهتر که لازمه مهارت های بلند تر است، مستفید گردند. بناً روند فقرزدایی باید از طریق رشد زراعت منحصیث سکتور که زیادتین قشر فقیر در آن تمرکز دارند، نفع ببرند.

۲- **سرمایه گذاری در انکشاف بشری** که سبب رشد اقتصادی، بهبود رفاه عامه، کاهش فقر و اتصال نقاط خلا در تمام ساحات میان افغانستان و دیگر کشور ها در سطح منطقه میشود. در حالیکه توسعه عرضه خدمات تعلیمی، صحتی و خدمات اساسی، افغانستان باید توجه زیادی را به بهبودی دسترسی و کیفیت در ساحات که کمتر تحت پوشش قرار گرفته. بخصوص گروپ های که کمتر به آنها توجه صورت گرفته مانند دختران و فقرا مبذول دارد.

۳- **مدیریت و کاهش خطر**، جغرافیا(مواجهه به خطرات طبیعی)، ساختار اقتصادی و میزان بلند فقر(خانواده هایکه توانایی رسیدگی شان به خدمات محدود است) نیازمند کمک های هماهنگ شده غرض جلوگیری و کاهش خطرات و کمک مردم جهت رسیدگی به اثرات منفی صدمات می باشد. بخصوص توجه خاص جهت انکشاف سیستم موثر مصونیت اجتماعی که بتواند روند فقرزدایی را تسریع بخشد، مبذول گردد و موثریت سرمایه گذاری را در عرصه انکشاف بشری و سکتور زراعت بهبود بخشد.